



# کسیکه همه وقت با ما است

و همه چیزها را می‌داند

۴ - ... و هو معکم اینما کنتم واللّٰه بئسما عملون بصیر

: او با شما است هر کجا باشید ، خداوند از کارهای شما آگاه است .

۵ - له ملک السموات والأرض والی اللّٰه ترجع الامور

: حکومت آسمانها و زمین در دست اوست ، و بازگشت همه امور ( موجودات )

بسی است .

آیه‌های فوق آخرین قسمت از آیات ششگانه است که یک سلسله معارف و اسرار عقلی و علمی را در پیرامون نبی و معاد ، دربردارد . و اکنون بشر فیلسوف پس از گذشت تقریباً شیعی از این معارف رادردگ کرده است و بزرگترین حقیقت علمی و توحیدی در یک جمله کوتاه ( **و هو معکم اینما کنتم** ) یعنی او با شما است در همه جا ، هفت هفت است . و در واقع یک خط چلان و سرخی بر بسیاری از خرافات و لا سائنات که بر مغزهای مردم امروز حکومت میکند ، میکشد ، خدائی که قرآن برای بشر معرفی مینماید ، یک خدای نامحدود و نامتناهی است ؛ و یک چنین موجود خواهد بود .

تا همیشه با موجودات متناهی سروکار داریم ( مانند خود خود که از هر جهت محدود و اندازه گیری شده است ) و موجود محدود همواره در نقطه خاص ، و زمان معین قرار میگیرد ، و اگر نقطه اترا اشغال کرد ، نفس دیگر از وجودی خالی خواهد بود ، و همچنین است زمان . ولی یک موجود نامتناهی از نظر زمان و مکان در همه جا ، و همه وقت خواهد بود ، و خاصیت نامحدود و نامتناهی بودن همین است .

ما می‌توانیم مطلب را بطریق دیگر بیان کنیم : یک موجود مادی ( یک فکر انسان مثلا ) از آن نظر که یک فرد ماست ، همواره قیودی از زمان و مکان وجود ویرا احاطه کرده و او را با زنجیرهای زمان و مکان محدود ساخته است . فرض کنید عوامل و علل ایجاد کرد که یک فرد

انسان در خیزش یعنی بوجود آید و یکصد سال که آغاز آن اول قرن بیستم است ، زندگی کند . در این موقع آن شهر همین برای او یک قید مکانی است ؛ که او را محدود بنقطه خاصی نموده و اینکه دیگر از وجود او خالی خواهد بود چنانکه آن یکصد سال ، یک قید زمانی است که وجود او را از نظر توسعه محدود ساخته . و در قرون دیگر از چنین پدیده‌های خبری نخواهد بود . ولی اگر فرض کنید که موجودی باشد که آورده به جسم و جسمانی نبوده ، و از ماده و زمان و مکان سبزه بوده و منبج و جود او بالاتر از ماده و لو ادم او باشد ، در چنین صورت زمان و مکان نخواهد توانست وجود او را محدود سازد و بسان قید و زنجیری از سه وجودی او بکاهد .

قرآن میگوید بخداوند ، روی بر این قلمی ماده و جسم نیست وجود او از لو از ماده که همان زمان و مکان است ، بیزار است ، و منبج و جود او ماقوم ماده و لوازم آنست ، در چنین صورت باید او در همه جا و همه آنکه باشد و نقطه‌ای از وجود او لحظه‌ای از زمان از وی خالی نباشد .

و بسیار دیگر زمان و مکان را برای موجوداتی میتوانست مانع و حائل شوند که در عرض و در دل آنها قرار گیرند .

ولی خداوندیکه پیش از آفرینش زمان و مکان وجود داشته و زمان و مکان مضرع او در درجه بیست و نوزدهم از وجود او قرار گرفته است ، چگونه میتوان تصور کرد بوسیله مخلوق خود که ذرات قدرت او آفریده شده است ، محدود و متناهی گردد .

بطور مسلم موجودی که در دل زمان و مکان باشد ، دست دیدا و کمتر محدود و دیدا خاصی نخواهد دید ، ولی موجودی که خالق و پدید آورنده زمان و مکان است برتر و بالاتر از این دو قید خواهد شد ، و دست دیدا و محدود و متناهی نخواهد بود .

## و شعل فرزان در یک بیابان ظلمانی و تاریک

براستی این آیه و شاعر آن در عصر تاریک و ظلمانی ( پیش از اسلام ) که خدا شناسان است در میان بیابان فرورفته در تاریکی .

بیایم با کرام این حقائق علمی را در دورانی پر حاشیه بشری عرضه داشت ، که پیر و ان تو حید ! ( بود ) خدایا از آسمان فرود آورده و در باغ عدن که لایوت و سفای خاصی داشت ، جای داده بودند حتی گاه گاه صبحگاهان خرامان خرامان بگردش و تفریح می‌پردادند ، حتی آدم و حوا پس از آن کل شجره نسیبه صدای خدایا در باغ شنیدند ، و خود را در لایوت درختان پنهان کردند و خداوند به تعقیب آنها پرداخت آخر الامر آنها را پیدا نکرد و صدای زده گجائیید؟! ، آدم گفت آواز ترا شنیدم خود را پنهان کردم ( ۱ ) .

( ۱ ) تورات سفر پیدایش باب سوم آیه‌های ۸ - ۱۱

پایسرا مال بقدر موقعی این حقایق را آورد، که هر یزان بی جهت ( وجود ) خدا را تا در خیمه ابراهیم فرود آورد و ابراهیم برای از بین بردن هر گونه حسنگی و کوفتگی که بر ذات اقدس الهی متولی شده بود ، باهای خدا را پیشو بدو غذای چرب در بر سر کب از گوشت گوساله و نان و کر موشیر برای آفریدگار زمین و آسمان آماده میسازد، تا خداوند با سرف این غذا : نیرو و قوت بگیرد (۱)

یا خداوند را در سر زمین «فتوئیل» نازل نموده تا با یعقوب کشتی بگیرد ، و این زور آزمای عیجان ادامه داشت تا خداوند جهان احساس کرد که بر رقیب خود نمیشود پیروز شود و لذا - با یک ضرب به فنی مخصوص از دست یعقوب نجات یافت (۲)

روز نزول آیات سورعه حدید تا گردان ناخلف حضرت مسیح (ع) آنگاه وجود خدا را مادی محدود میدانستند که دستگاه ربوبی را متهم به توالت و تناسل کرده ؛ می گفتند که خداوند باز آید و ولد مخصوص یک شرکت سهامی خدائی تأسیس کرده است . ایران آن روز در آتش جهل و تاریکی شرک و دوگانه پرستی میسوخت ، و الهه غیر و شر ، و خدایان نیک بود ، و پدید آرنده گان نور و ظلمت بر مغزها حکومت میکرد ، و هر خالق از ممنوع خالق دیگر بیخبر و نا آگاه بود .

آری در چنین دوران بیخبر و تاریکی بود که آن آموزگار الهی بتلمیح پروردگار جهان پرچم نو حید و معارف عقل و فلسفه را بست گرفت و با نهای مرجع نافذتر گفت هان ای مردم ! و هوو معکم اینما کنتم و اللہ بما تعملون بصیر ؛ خداوند شما مادی نیست ؛ زمان و مکان او را مقید نساخته است ؛ او بر همه تسلط و احاطه دارد .

### عکس العمل معرفیهای غلط

نتیجه فرود آوردن خدا تا در خیمه ابراهیم ، و کشتی گرفتن خدا دریاغ و عدت ، عکس - العمل کشتی گرفتن خدا با یعقوب ؛ و با تشکیل شرکتهای کفالتی از ناحیه خدا و حضرت مسیح و روح القدس ، آنست که نصف پیروان تو و امتیاز نمیرد ، دستگاه خدائی را به سخره گرفته ، و از زیر بار خدا پرستی ، به سادیکری و اتحاد پناهنده شده اند این طرز معرفیهای غلط ، ضربه های محکم بر سرف خدای پرستان واقعی زده ، و بالاخره موا کشتی آن مادی و ملحد پروریت ، و آنگهی اعتقاد بخدائی که کتابهای تورات و انجیل معرفی میکند ، نفس در سعادت اجتماع تصور اهدا داشت خدائی که از بنده خود - حواء با آگاه است چگونه از گناهان بندگان خود در دل شیها در نشاط مختلف آگاه خواهد بود و چگونه بر سراسر جهان تسلط و حکومت خواهد داشت ؟

(۱) تورات سفر پیدایش باب ۱۸ - آیهای ۱ - ۹

(۲) تورات سفر پیدایش باب ۲۲ آیهای ۲۴ - ۳۲